

#### نقل قول



**انصراف از طلاق با تماشای «در آغوش درخت»**

محمدرضا مصباح، تهیه‌کننده فیلم «در آغوش درخت» اظهار کرد: بعد از خواندن فیلمنامه «در آغوش درخت»، یک جمله از بابک خواجه‌پاشا من را قانع کرد که ساخت این فیلم را شروع کنیم. گفتند اگر این فیلم فقط و فقط مانع جدایی یک زوج شود، ما را پس است. به لطف خدا این اتفاق افتاد و گزارش‌های متعددی رسید که برخی خانواده‌ها با دیدن این فیلم حداقل در تصمیم جدایی تأمل کردند. در دفترمان شیوه فیلمسازی ارژن را داریم و تمام فیلم‌هایی که ساخته‌ام در نقاط مختلف ایران بوده‌است و تاکنون در تهران فیلم نساخته‌ام. در همه پروژه‌ها سعی کرده‌ایم با هزینه بسیار کمی فیلم را بسازیم و برای ساخت «در آغوش درخت» کمتر از ۵میلیارد تومان هزینه شده است، در حالی که به عنوان مثال یکی از فیلم‌های کم‌دی است. حال اگر آن ۵میلیارد تومان هزینه داشته است.

**سن پویانمایی در ایران بسیار کم است**

حسین فسارزادگان یکی از کارگردان‌های «بیعی قهرمان» درباره وضعیت انیمیشن‌سازی در ایران گفت: سن انیمیشن در ایران نسبت به جهان بسیار کم است و ما در رقیابت ناجوانمردانه‌ای شکست‌خورده هستیم. ۱۰-۱۵ سال است که انیمیشن ایران سروشکلی پیدا کرده، مانند یک بچه هفت‌ساله شده که تازه خواندن و نوشتن آموخته است. ما نمی‌توانیم از این بچه مدرسه‌ای توقع داشته باشیم سر کلاس دانشگاه بنشیند. من به عنوان انیماتور تازه یاد گرفته‌ام که بسازم اما اینکه چه بگویم و چگونه بسازم در حال حاضر انتظار زیادی است. مسلماً انیمیشن ما نباید با سینمای جهان و هالیوود مقایسه شود. اکنون ما می‌توانیم با الگوبرداری کودکان را رشد دهیم. انیمیشن ما اکنون در جایگاه آموزش است و در جایگاهی نیست که آموزش بدهد. ما باید تلاش‌مان را بکنیم در دهه پیش رو که خواندن و نوشتن یاد گرفته‌ایم این اطلاعات را درست پردازش کنیم و در رقابت با اثر رده B و C اروپایی رقابت کنیم. کار ما اکنون به عنوان یک «بی‌موی» کاملاً در بازار پذیرفته شده و همزمان در چند کشور بین‌المللی در حال اکران است و انیمیشن‌های ما امروزه در جهان به فروش می‌روند. می‌خواهم بگویم که انیمیشن ایران در حال پیشرفت است اما نه در حد توقع مخاطبان نسبت به آثار خارجی.

### چه عنادی با خلیج فارس دارید؟

محسن شریفیان، نوازنده بوشهری در تازه‌ترین کنسرت گروه «لیان» در برج میلاد تهران، به انتقاد از شیطنت کشور امارات پرداخت و توضیح داد: در سفری که به کشور امارات داشتم، سوآلی را از مسئولان دولتی این کشور پرسیدم که جواب واضحی نگرفتم. ما به منطقه‌ای که برای یادبود «بن بطوطه» ساخته شده بود، رفتم. این بطوطه یک جغرافیدان بوده که نام خلیج فارس را به کار برده و مکتوب است. من سوآلم این بود اگر امارات به این جغرافیدان احترام می‌گذارد و مکان یادبودی برای او اختصاص داده و به درستی هم این کار را انجام داده، چرا نقشه‌ای که از اول بوده را دستکاری کرده‌است؟ اصلاً من کاری به سیاست ندارم، یک هنرمند موسیقی محلی هستم و کارم را انجام می‌دهم، اما این کار را متوجه نمی‌شوم. شما هر دعوایی دارید، داشته باشید، هر کاری می‌خواهید بکنید اما چرا اسم خلیج فارس را عوض می‌کنید؟ این چه عنادی است که دارید. نام این خلیج، همیشه خلیج فارس است و نمی‌توان تغییرش داد. خیلی خوشحالم که اجرایی در آلمان داشتم و روزنامه‌ای در شهر اشتوتگارت خبری را تیتیر «تی‌ان‌بان‌زنی از خلیج فارس» منتشر کرد که همین برای من کافی بود.



#### نگاهی به کتاب «حرفه رمان‌نویس» که یک کلاس نویسندگی تمام‌عیار است

## پیدا کردن گنج درون از طریق کلمات



نویسندگی کاری است وقت‌گیر و خسته‌کننده! به ویژه اگر آن را به عنوان شغل و حرفه اصلی‌تان انتخاب کنید، دشواری و سختی‌هایش بیشتر هم خواهد شد. این کاری نیست که هر کسی از پس آن برآید و موراکامی با بهره گرفتن از تجربیات شخصی‌اش، راه و روش زیستن از طریق نویسندگی را توضیح می‌دهد



#### احمد محمدتبریزی

«هاروکی موراکامی» ژاپنی طرفداران زیادی در سطح جهان دارد. طرفدارانش او را به خاطر ترکیب تخیل و واقعیت در کتاب‌هایش دوست دارند و ستایش می‌کنند ولی موراکامی در بعضی کتاب‌هایش سعی کرده است از قالب یک رمان‌نویس صرف بیرون بیاید و از دنیای حقیقی و زندگی وارد دنیای «حرفه رمان‌نویس» یکی از جدیدترین کتاب‌های این نویسنده ژاپنی است که در آن از سبک زندگی و راه و رسم نویسندگی‌اش می‌گوید؛ کتابی که به اذعان خوانندگانش، حکیم یک کلاس درس را برای آنها داشته است.

#### دنیای دور از دسترس نویسندگان

برای بسیاری از مردم، نویسندگان در مقایسه با دیگر چهره‌ها، آدم‌هایی دور از دسترس به نظر می‌رسند. آنها برای ماه‌ها و سال‌های متمادی پشت میزهای تحریرشان می‌نشینند، فکر می‌کنند و پشت سر هم قلم می‌زنند تا در نهایت کتابی را خلق کنند. بیشترشان آدم‌هایی رسانه‌ای نیستند و از هیاهوی شبکه‌های مجازی دوری می‌کنند. نویسندگان برای نوشتن و خلق کردن به خلوتی مخصوص خودشان نیاز دارند و به این راحتی کسی را وارد حریم خصوصی و شخصی‌شان نمی‌کنند. دقیقاً به همین خاطر، دنیای نویسندگان برای خوانندگان کتاب‌های‌شان رازآلود به نظر می‌رسد. ما از هر چه کمتر می‌دانیم، قدرت مرموز بودنش برای‌مان بیشتر می‌شود. موراکامی دقیقاً یکی از همین نویسندگان است؛ کمتر تن به گفت‌وگوهای رسانه‌ای می‌دهد و به ندرت مقابل دوربین‌های تلویزیونی حاضر می‌شود. با وجود این مقاومت و سرسختی در مقابل رسانه‌ها، او تصمیم گرفته در «حرفه رمان‌نویس» از آن قالب ناشناخته خارج شود و از زندگی و شیوه کار خودش بگوید.

امروز همه موراکامی را به عنوان نویسنده‌ای بین‌المللی می‌شناسند که طیفی گسترده از مردم سراسر جهان، مخاطب کتاب‌هایش هستند، اما همین تصویری از نویسندگی و نوشتن نداشت؛ اموراتش را از طریق کافه‌اش در شهر توکیو می‌گذراند و دغدغه‌هایش خیلی از جنس کتاب، قلم و کلمه نبود.

#### نگاه

برطرف شدن مشکلات اکران فیلم «سینما متروپل» خبر خوبی بود که در این روزها به گوش رسید. این فیلم پس از جشنواره فیلم فجر ۱۴۰۱، در مرحله بازبینی شورای پروانه نمایش سازمان سینمایی به اصلاحیه‌هایی برخورد و پروسه صدور مجوز آن بیش از دو سال طول کشید. پس از تعامل‌های انجام شده و اضافه شدن کیشن به انتهای فیلم، «سینما متروپل» توانست بالاخره پروانه نمایش بگیرد و از اواخر آبان در سینماها اکران شود.

در شرایط فعلی سینمای ایران که کم‌دی‌ها سهم زیادی از اکران را به خود اختصاص داده‌اند، فیلمی مثل «سینما متروپل» شبیه یک تنفس آزاد است. آخرین فیلم ساخته

#### نگاهی به کتاب «حرفه رمان‌نویس» که یک کلاس نویسندگی تمام‌عیار است

موضوعی است که نه فقط در نویسندگی، بلکه در دیگر امور زندگی هم به کار همه می‌آید. تمام این اطلاعات ریز و درشت، در کتسوهای ذهن انباشته می‌شوند و هنگام نوشتن، این کتسوها کمک بزرگی به نویسنده می‌کنند.

به قول موراکامی «پی می‌برید گنجینه‌ای در درون دارید که منتظر است دست دراز کنید و برشان دارید و استفاده کنید. فقط باید خوب نگاه کنید.» توجه به این گنجینه درونی و غنا بخشیدن به آن با توجه و تعمق در مسائل مختلف حکم یک کلید طلایی را دارد.

همچنین نباید فراموش کرد که نوشتن یک تمرین هر روزه است. برای نویسنده‌شدن باید ممارست و پشتکار به خرج داد. حفظ کردن ثبات در مسیر نویسندگی، بسیار مهم است. اگر یک روز خیلی بنویسید و روز دیگر هیچ، کارتان زار است. اگر با سرسختی زیاد کار کنید، می‌توان بر کسر و کمبودها فائق آمد. موراکامی در طول کتاب توضیح می‌دهد که سال‌ها رنج برده تا توانسته است نظم و نظامی برای نوشتن هر روز‌اش برقرار کند و آن را برای سال‌ها طولانی ادامه دهد.

برای نوشتن یک رمان معمولاً بیش از یک سال زمان نیاز است. آیا در طول این زمان طولانی، فقط فکر فکری نیاز است و احتیاجی به فعالیت جسمانی نداریم؟ نکته مهم دقیقاً همین است. موراکامی می‌گوید پس از بیدار شدن در صبح زود و پنج‌شش ساعت کار کردن تنهایی و توجه شش‌دانه‌ی گذاشتن روی نویسندگی، مغز آدم جوش می‌آورد.

#### اهمیت فعالیت جسمانی

این مدل زندگی کردن تن و جسم آدمی را از ریخت می‌اندازد. برای همین به ورزش و فعالیت جسمانی نیاز است. موراکامی به مدت ۳۰۰۰ ساعت در روز یک ساعت در هوای آزاد ورزش می‌کند و می‌دود. بدون استثنا هر روز این روتین ورزشی را انجام می‌دهد و تأثیرش را در زندگی و حرفه‌اش دیده است. حفظ این عادت همیشگی، دستاورد مهم دیگری هم با خودش به همراه می‌آورد و آن چیزی جز «استقامت» نیست. برای فعالیت مداوم در حرفه نویسندگی، تداوم و فعالیت دائم اهمیت دارد و نکته مهم‌تر اینکه برای به دست آوردن استقامت باید در لحاظ جسمانی متناسب باشید. باید خوش‌بینی و قوی باشید و تن‌تان را با خودتان یکدل کنید. برای انجام کار حرفه‌ای و داشتن زندگی خوب با کیفیت به راه‌آه قوی نیاز است. در مسیر حرفه‌ای قدرت جسمانی و روحانی مثل دو چرخ اتومبیل باید باهم هماهنگ باشند. وقتی دو چرخ تعادل داشته باشند، اتومبیل هم خوب کار می‌کند. باید نیروی جسمانی و نیروی روحانی را چنان متعادل نگه داشت که همدیگر را تقویت کنند. نکته مهم دیگر در رابطه با کار هنری به این برمی‌گردد که راضی کردن همه محال است. اگر نویسنده یا هنرمندی بخواهد تمام انرژی‌اش را برای راضی کردن دیگران صرف کند، در پایان از خستگی هلاک خواهد شد. هر اثر هنری بالاخره منتقدان خودش را دارد. دل کل نمی‌توان همه را راضی کرد، پس هر کسی باید رضایت خودش را به دست بیاورد.

نویسنده‌ای در حد و اندازه موراکامی هم توضیح می‌دهد که در طول سال‌های فعالیتش، یک درس را به خوبی ازبر شده و آن این است که در نهایت کسی پیدا می‌شود تا از کارش بد بگوید. او هر کتاب تازه‌ای که می‌نویسد عده‌ای از مردم دوستش دارند و برخی دیگر با آن ارتباط برقرار نمی‌کنند. این کاملاً طبیعی است. در چنین شرایطی هدف لذت‌بردن از کاری است که انجام می‌دهیم و باید در وهله نخست رضایت خودمان کسب شود.



## تنفس آزاد سینما دوستان با «سینما متروپل»

محمدمدلی باشه آهنگر، از آن جنس فیلم‌هایی است که مشابه آن کمتر در سینمای ایران ساخته می‌شود و اگرانش فرصتی مغتنم را برای سینمادوستان فراهم می‌کند.

«سینما متروپل» از زاویه متفاوتی به جنگ ایران و عراق، حضر آبادان، مقاومت مردم و همبستگی آنان در یکی از مهم‌ترین مقاطع تاریخی آن سرزمین می‌پردازد و در این بین می‌کوشد با لحن و زبانی پر از نبش و کنایه، در برابر نگاه دگم و بسته‌ای که به هر بهانه‌ای می‌خواهد سینما را همچون یک پدیده تجملائی و بی‌فایده معرفی کند و آن را به حاشیه براند، مقاومت کند.

#### سینما

آیا «باغ کیانوش» می‌تواند به اتفاقی ویژه در سینمای ایران تبدیل شود؟

### تلاش سینمایی برای آشتی با مخاطب نوجوان

#### احمد جوان

روانشناسان از یک سو نوجوانی را دوران سرگردانی و کشف و از سوی دیگر دوران طرح پرسش درباره استقلال و هویت‌شان دانسته‌اند. در این دوران، نوجوان کودکی را پشت سر گذاشته اما هنوز به طور کامل وارد دنیای بزرگسالی نشده و با چالش‌های زیادی درگیر است، همچنین در این سن و سال نوجوان بیش از هر زمان دیگری نگاهش به سمت همسالان خودش است.



#### رؤیای خوش گذشته

یکی از افتخارات سینمای ایران در چند دهه گذشته پرداختن به سینمای کودک و نوجوان بوده است. در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ اوج این شکوفایی رقم خورد و فیلم‌های زیادی در حوزه کودک و نوجوان تولید شدند، اما هر چه گذشت، تعداد فیلم‌های سینمایی در این حوزه کمتر و کمتر شد! اینکه سینمای کودک و نوجوان امروز به یکی از نقاط ضعف و دارای کمبود سینمای ایران تبدیل شود. در حال حاضر فیلمسازانی که تمایل به ساخت فیلم در حوزه کودک و نوجوان دارند، به سختی به تعداد انگشت‌های یک دست برسند و فیلمسازان باسابقه در این حوزه، خود را کنار کشیده‌اند و تمایلی به ساخت اثر ندارند. برخی از فیلمسازان فعال در این حوزه اغلب از این فضای کودک و نوجوان به ویژه نوجوانان دور هستند و آثارشان مخاطب را برای به تماشا نشستن درگیر و ترغیب نمی‌کند. مشکل اصلی این فیلمسازان عدم شناخت عمیق گروه سنی نوجوان است و همین امر موجب شده است آثاری که ساخته می‌شوند همچنان متعلق به دهه‌های ۶۰ و ۷۰ باشند.

#### پرکردن جای خالی

این روزها فیلم سینمایی «باغ کیانوش» به کارگردانی رضا کشاورز جداد و با محوریت نوجوانان روی پرده سینماها نقش بسته است. فیلمی که اقتباسی است از آزاد از کتابی به همین نام نوشته علی اصغر عزتی باک از محصولات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان.



داستان فیلم در دوران جنگ و دفاع مقدس سپری می‌شود و درباره چند نوجوان است که قصد دارند به باغ کیانوش بروند و براساس آنچه شنیده‌اند از میوه‌های باغ برپار و میوه او استفاده کنند اما در این میان درگیر ماجراهایی می‌شوند که قصه را پیش می‌برد و در نهایت نیز این نوجوانان ایرانی هستند که قهرمان قصه می‌شوند.

با اینکه «باغ کیانوش» تا حدودی توانسته است خودش را به استانداردهای سینمای کودک و نوجوان نزدیک کند اما باز همان مشکل همیشگی پابرجاست. عدم شناخت فیلمساز از دوره نوجوانی سبب می‌شود طرح و بسط موضوع در فیلم ابتر و ناقص بماند و اجازه برقراری و فهم درست فضای فیلم و شخصیت‌هایش را ندهد.

#### ریسک کارگردان

کشاورز جداد در نخستین تجربه کارگردانی‌اش ریسک کار کردن در سینمای نوجوان را به جان خریده است و این اتفاق مثبت و خوبی در سینمای ایران به حساب می‌آید. در شرایطی که اغلب فیلمسازان برای سودآوری و شناخته شدن بیشتر به دنبال ساخت فیلم‌های سینمایی بزرگسال هستند، کارگردان «باغ کیانوش» سراغ نوجوانان و دغدغه‌های آنان در این سن و سال رفته است.



او همچنین با «باغ کیانوش» توانسته است هیجان را وارد قصه‌اش کند و حتی دست به خلاقیت در بخش‌هایی از فیلم زده و قصه را به نحوی پیش برده است که بتوان از آن به عنوان اثری برای کودک و نوجوان یاد کرد اما مشکل اصلی این است که نوجوان امروز ارتباط چندانی با این قبیل موضوعات نمی‌گیرد چرا که قصه فیلم در دهه ۶۰ می‌گذرد و بیشتر برای بزرگسالان و پدر و مادران این نوجوانان که جنبه نوستالژیک پیدا کرده است، جذابیت دارد و برای نوجوان امروز اشتیایی زای نخواهد داشت.

#### نادیده گرفتن قصه‌ها

قصه‌های زیادی مثل «باغ کیانوش» از دوران جنگ و دفاع مقدس وجود دارد که برای هر کدام می‌توان اثر سینمایی تولید کرد اما نباید فراموش کرد، فیلمسازی برای کودکان و نوجوانان، ریزه‌کاری‌ها و حساسیت‌های زیادی دارد. فیلمسازان این حوزه باید دنیای کودکان و نوجوانان را بشناسند و دغدغه‌های آنان را در اثرشان طرح کنند.

قطعا مخاطب کودک و نوجوان امروز با هوش و سختگیری بیشتری پای فیلم‌های سینمایی می‌نشیند و سخت‌تر از قبل می‌توان سلیقه آنها را تأمین کرد. با وجود این هنوز قصه‌های ناگفته و جذاب زیادی وجود دارد که در صورت پرداخت درست به این قصه‌ها، می‌توان مخاطب کودک و نوجوان را جذب فیلم‌ها کرد. سینمای ایران به مخاطبان کودک‌کان و نوجوانش نیاز دارد و باید جایی برای آنها در میان فیلم‌های سینمایی‌اش در نظر بگیرد. در شرایط پیچیده امروز سینمای ایران، اکران فیلمی مثل «باغ کیانوش» کورسوی امیدی را در دل علاقه‌مندان و سینمادوستان روشن نگه می‌دارد که هنوز سینمای نوجوان زنده است و فیلمسازان علاقه به فیلم ساختن برای مخاطبان آن دارند.